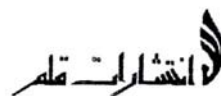


راه بازرگان

تألیف: محمود حکیمی

بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان



● راه بازرگان

○ مؤلف: محمود حکیمی

○ ناشر: شرکت انتشارات قلم

○ حروف چینی و صفحه آرایی: حروف چینی هُما (امید سید کاظمی)

○ نوبت چاپ: چاپ اول، ۱۳۸۳

○ چاپ و صحافی: پژمان

○ شمارگان: ۱۵۰۰ جلد

○ بها: ۸۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۳۱۶-۱۵۵-۲

ISBN:964-316-155-2

تهران: تقاطع بهار و سمیه،

ساختمان ایرج،

طبقه همکف، شماره ۶

تلفن: ۸۳۱۲۸۹۳

تلفکس: ۸۸۲۹۳۶۴

همه حقوق محفوظ است.

راه بازرگان/ به کوشش بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان- تهران: قلم،

۱۳۸۳.

ISBN : 964-316-155-2

۱۱۲ ص.

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه.

۱. بازرگان، مهدی، ۱۳۷۳-۱۲۸۶.

۲. روشنفکران- ایران.

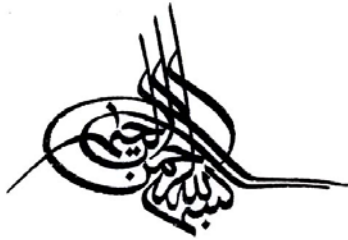
۳. سیاستمداران ایرانی. الف. بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان

۹۵۵/۰۸۲۴۰۹۲

DSR ۱۵۳۴ / ۵ / ۲ ر ۲

۳۲۲۸۱-۸۳ م

کتابخانه ملی ایران



فهرست مطالب

۷	○ مقدمه
۱۴	پیش‌بینی بازرگان: احیاء اندیشه دینی در جهان
۲۳	۱. خودپرستی
۲۴	۲. استبداد
۲۸	آموزش نوجوانان و جوانان
۳۶	اسلام دین محبت و مدارا
۳۹	راهیابی اندیشه دینی در میان جوانان
۴۵	عشق و ایمان دینی
۴۸	آموزه‌های پیامبران
۴۹	دعوت جوانان به فعالیت و مبارزه
۵۴	عشق به اهل بیت (ع)
۵۹	ضمیمه‌ی ۱: بخشی از مقاله‌ی مرحوم بازرگان تحت عنوان دین و آزادی
۶۱	دین خدایی چگونه است؟
۶۵	شیطان و آزادی
۶۶	دین و ملت
۷۲	آزادی ضرورت حیاتی برای حکومت و دیانت
۷۳	تضاد عامل حرکت و حیات
۷۷	مخالفین با آزادی
۸۱	ضمیمه‌ی ۲: بازرگان در آئینه‌ی خاطرات
۸۳	کتاب الله و عترتی
۸۴	عباد الرحمن

- ۸۷ عفو و گذشت بازرگان
- ۸۹ آدمی چنین خاکی ندیده بودم
- ۹۰ فروتنی بازرگان
- ۹۲ همسر خوب
- ۹۴ کظم غیظ بازرگان
- ۹۵ دلم برای پدرم تنگ شده
- ۹۶ دوش در وقت سحر از غصه نجاتم دادند
- ۱۰۳ حساسیت در مورد بیت‌المال
- ۱۰۷ نمایه

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

مرحوم مهندس مهدی بازرگان را برای اولین بار در سال ۱۳۴۶ ش در مجمع عمومی سهامداران شرکت سهامی انتشار ملاقات کردم. از سال‌های قبل کتاب‌های او را خوانده بودم و مدت‌ها بود که آرزوی دیدارش را داشتم و آن روز به آرزوی خود رسیده بودم. مردی ریزنقش با جثه‌ای کوچک اما چالاک و چهره‌ای شاد و جوان. چند نفری سخنرانی کردند. اما راستش را بخواهید من فقط به چهره‌ی او نگاه می‌کردم. مردی با اراده‌ی آهنین که حکومت شاه را به شدت کلافه کرده بود.

سال‌ها بعد که در جلسات تفسیر قرآن او در انجمن اسلامی مهندسين شرکت می‌کردم او را همچنان پر انرژی و چالاک دیدم. او آرام و معمولاً یکنواخت سخن می‌گفت. صدایش را بلند نمی‌کرد، اما لحنی جذاب و مهربان داشت. آیات بسیاری از قرآن را در رابطه با سخنرانی خویش مطرح می‌کرد. ترجمه‌های سلیس و روان وی از آیات، توجه هر شونده‌ای را جلب می‌کرد. در این سال‌های طولانی چیزهای بسیاری از او آموختم. اما نمی‌دانم که تا چه اندازه توانستم به آنچه آموخته بودم عمل کنم. مهم‌ترین چیزی که در کلاس تفسیر قرآن او آموختم، مهلتی بود که پس از هر درس به حاضران می‌داد تا درباره‌ی تفسیرهای وی از آیات قرآنی به بحث پردازند. به افرادی هم که مخالف نظرات او بودند فرصت می‌داد تا نظریات خود را بگویند. اما پس از پایان سخن آنها، یا نظرشان را می‌پذیرفت و یا آنکه آن را رد می‌کرد و بر اندیشه‌ی خود با دلایل و ذکر آیاتی دیگر از قرآن اصرار می‌ورزید.

بازرگان نه تنها در روش تدریس، بلکه در زندگی اجتماعی و سیاسی خویش نیز به شدت معتقد به آزادی بود و اصولاً تنها راه رسیدن به کمال را در محیطی آزاد امکان‌پذیر می‌دانست و از همین رو بود که در مقاله «دین و آزادی» نوشت:

«ممانعت از آزادی به طور حتم ناشی از ضعف بنیادی یا خلل در نیت و برنامه است. مگر آن مؤمن آل فرعون [که پنهانی در میان فرعونیان بود اما به توحید ایمان داشت] به قوم مغرور و به قدرت رسیده نمی‌گفت که بگذارید موسی حرفش را بزند که «وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ آلِدِي يَعْلَمُهُمْ» (سوره غافر، آیه ۲۸) یعنی: اگر دروغگو باشد دروغ او به زیانش خواهد بود و اگر راست می‌گوید بعضی از وعده‌های او شما را خواهد گرفت.

و مگر در جواب او فرعون حرف همه‌ی دیکتاتورها و مستبدها را نمی‌زد که «مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ» (سوره غافر، آیه ۲۹) یعنی: من برای شما هیچ راهی جز آنچه به نظرم رسیده ارایه نمی‌نمایم و شما را جز به راه کمال هدایت نمی‌کنم.

در یک جامعه‌ی اسلامی و مکتبی چگونه ممکن است فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر اجرا شود و آزادی عقیده و بیان و امنیت قضایی و سیاسی نباشد؟ فریضه‌ای که درباره‌اش فرموده‌اند که اگر [آن فریضه] را ترک کنید، اشرار قوم بر شما مسلط خواهند گشت و دعاها بتان [یعنی خواست‌ها و هدف‌ها] اجابت نخواهند گشت.

پس ضامن بقای یک نظم عادلانه و استمرار آن در خط تقوا و تعالی، آزادی انتقاد و مخالفت کردن قانونی است. برای حفظ خود و دین از سوء استفاده و جهل و خرافه و انحراف، نیز لازم است که چماق تکفیر و تحمیل در محافل و مطبوعات آن جامعه سر راه نباشد و اصلاً رنگ دین و قهر خدا به آنچه ضروری دین و نصوص اصیل نیست، ندهند.^۱

عشق او به آزادی، به مبارزه‌ی بی‌وقفه‌اش با استبداد به مدت ۴۰ سال به طول انجامید و به قول مرحوم غلامرضا نجاتی:

«در برابر هیچ قدرت خودکامه و مستبده‌ی سر تسلیم فرود نیاورد... بیزاری از تظاهر و ریا، سادگی زندگی، بی‌اعتنایی به مال و منال و عنوان و بی‌تکلفی، از دیگر خصیصه‌های او بود... نه از کف‌زدن‌های ممتد و فریادهای «زنده باد»

۱. بازیابی ارزش‌ها، ج ۱، مقاله‌ی «دین و آزادی»، صص ۸۲ و ۸۵.

سر مست می‌شد و نه از شعارهای «مرگ بر بازرگان» در مجالس و اجتماعات ملول می‌گشت. سالیان دراز، انواع حملات، توهین‌ها و دشنام‌ها و حتی در یکی دو مورد ضرب و شتم گروه‌های تحریک شده را با سکوت و شکیبایی تحمل کرد...

فسادناپذیری بازرگان که دشمنانش نیز به آن اعتراف دارند، از دیگر ویژگی‌های وی به شمار می‌رفت، دلبستگی به آزادی، حاکمیت ملی و اصول دموکراسی، تعهد به عدم خشونت، اخلاق نیکو، احترام به قانون و بیزاری از برانگیختن احساسات و تفکر و تعقل مردم به سود خود، بازرگان را در شمار اندک دولتمردان ممتاز این سرزمین درآورد و الهام‌بخش آزادی‌خواهی و اسطوره‌ی عدالت‌طلبی و تسلیم‌ناپذیری بود.^۱

اما تنها عشق به آزادی وی نبود که توجه مرا به شدت جلب کرد. شجاعت فوق‌العاده‌ی وی در انتقاد از روشنفکران خودباخته نیز در تاریخ معاصر ایران کم‌نظیر بود. از سال‌های قبل از مشروطیت این‌طور رسم شده بود که اغلب روشنفکران، عامل اصلی عقب‌ماندگی ملل مسلمان را کشورهای استعمارگر غربی می‌دانستند. بازرگان مطامع استعمارگران را منکر نمی‌شد، اما با صراحت اعلام می‌کرد که مقصر اصلی نه تنها استعمار، بلکه روشنفکرانی بوده‌اند که به استقبال استعمارگران می‌رفتند. وی در سال ۱۳۳۸ در یک سخنرانی تحت عنوان «سِرِّ عقب‌افتادگی ملل مسلمان» گفت:

«امروزه در ممالک نوحاسته‌ی آسیا و آفریقا شاید کلمه‌ای لعنتی‌تر از استعمار، و وظیفه‌ای مقدس‌تر و مترقیانه‌تر از مبارزه با استعمار نباشد. ولی انصاف باید داد که خارجی‌ها ریشه‌های استعمار را در سرزمین ما نکاشتند. در آن ایام (مثلاً صد سال قبل) اجداد نوکرمآب (یعنی دولتی‌ها) و روشنفکران ما به استقبال و استحکامش رفتند و به این عمل یا خدمت افتخار می‌کردند. در هندوستان، در عثمانی، در مصر و در خود ایران چه دعوت‌ها که از اروپایی‌ها نکردند، چه امتیازها بود که به آنها ندادند، چه مستشارها بود که با سلام و صلوات و اختیارات مطلق از آنجا نیاوردند. سفرنامه‌ها و یادداشت‌های یادگار آن ایام را بخوانید تا ببینید متصدیان امور و زمامداران ما با چه رشوه‌ها به ثمن بُخس، مردم و منافع ما را به آنها می‌فروختند و چه

۱. خاطرات بازرگان، شصت سال خدمت و مقاومت، گفت‌وگو با سرهنگ غلامرضا نجاتی (تهران: مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۵) پیشگفتار، ص ۱۷ و ۱۸.

در یوزگی و دناوت بدتر از سگ جلویشان می‌کردند... بنابراین در برخورد با مطامع و مزایای خارجی، شعار دولتی‌ها تسلیم بود- امیر کبیرها و استثناها را کنار بگذاریم- اما شعار روشنفکرانمان در برابر فرهنگ و فلسفه‌ی غربی و طرز زندگی و حکومت اروپایی، تجدد بود. تجدد به صورت و به معنای تقلید. تقلیدی که چیزی جز تسلیم نبود...

... مطلبی که ملت‌های مسلمان- به طور کلی آسیا و آفریقا- باید خوب در مغز خود جا دهند این است که با تقلیدگری و دنباله‌روی محال است عقب‌افتاده‌ها نجات پیدا کنند. مقلد مادام که مقلد است محتاج است. همیشه قلاده‌ی احتیاج و اطاعت را به گردن خواهد داشت. تا ما ده قدم برداریم، آنها صدها قدم جلو رفته‌اند. یک راه را که جلوشان ببندیم، آنها ده راه دیگر را کشف کرده از آنجا کلاه سرمان می‌گذارند. برنامه‌ی ما باید بی‌نیازی و ابتکار باشد...

عمل و ضرر بیگانگان که امروزه آن را استعمار می‌گویند نیز به پای خود ما برمی‌گردد. هرگونه طمع یا تخریب از ناحیه‌ی خارجی یا استعمارگر یک امر طبیعی است. در همه جای دنیا و همه وقت نظام آکل و مأكول برقرار بوده است. نفوذ و دخالت همسایگان قوی‌تر نه انحصار به قرن ما دارد و نه به کشور ما، خارجی و شکارگر همیشه در کمین است تا نقطه ضعف و غفلتی ببیند و حمله کند. آنچه ما کمتر در فکرش هستیم و کمتر به آن می‌پردازیم. وظیفه‌ی خودمان است که باید اولاً نقاط ضعف و غفلت را از بین ببریم و ثانیاً به حفظ و دفاع و در صورت لزوم، حمله پردازیم. پس چه کنیم و به پیروی از «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ...» یعنی خداوند وضع قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه خودشان را تغییر دهند چگونه تغییر دهیم؟^۱

چگونه تغییر دهیم؟

این پرسش مهمی است که بازرگان در پایان سخنرانی مشهور خود «سیر» عقب‌افتادگی ملل مسلمان» مطرح می‌کند. شگفت‌انگیز که او ۴۵ سال پیش آن را در انجمن اسلامی دانشجویان مطرح کرده است و این پرسش هنوز هم مطرح است و هنوز هم ملل مسلمان اگر بخواهند از این بحران‌های

۱. مجموعه آثار، ج ۸، ص ۲۷۵.

عظیم که آنان را فرا گرفته است خلاصی یابند، باید به پاسخ او گوش فرا دهند. پاسخ بازرگان، پاسخ خودش نیست، بلکه پاسخ قرآن است:

«خدا در قرآن قبلاً [پاسخ این پرسش را] چنین جواب داده است: «أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَالْهُبُونَ» (سوره بقره، آیه ۴۰) به پیمانی که با من بسته‌اید وفا کنید تا به عهد شما وفا کنم و فقط از من ملاحظه و ترس داشته باشید.

پیمانی را که در گرویدن به آیین اسلام با خود و خدا بستیم و بدان وسیله قدم در شاهراه تکامل و سعادت گذاردیم محترم شمرده، به اسلام- اسلام اصیل کامل صحیح شامل دنیا و آخرت- برگردیم.^۱

به راستی هر انسان موحد، همچون یک مسلمان وقتی که به وحدانیت خداوند شهادت می‌دهد چه پیمانی با خدا می‌بندد؟

بازرگان عقیده دارد که برای شناخت مواد این پیمان، به جای مراجعه به رأی و اندیشه‌ی حکیمان و فلاسفه باید به قرآن کریم رجوع کرد و از همین روست که سراسر سخنرانی‌های او در واقع گشت و گذاری در گلستان قرآن است. امروزه وقتی که ما برای بررسی اندیشه‌های وی به مجلدات «مجموعه آثار مهندس مهدی بازرگان» رجوع می‌کنیم، در بخش مربوط به «فهرست آیات قرآن» در صفحات آخر هر جلد، به راستی از مشاهده‌ی آن تعداد آیات که در مباحث آن کتاب از آنها استفاده شده است دچار حیرت می‌شویم.^۲

او یکی از پیمان‌های انسان موحد با خداوند را تربیت نوجوانان و آشنا ساختن آنان با تعالیم اسلام می‌داند. نگاهی هر چند سریع به مجموعه آثار وی نشان می‌دهد که دو اثر مهم وی تحت عنوان «آموزش تعالیم دینی» و تربیت و تعلیم دینی» درباره‌ی چگونگی آشنا ساختن نوجوانان و جوانان به تعالیم اسلام و مفاهیم قرآنی می‌باشد.

مطالعه‌ی مجموعه آثار آن اندیشمند بزرگ اسلامی نشان می‌دهد که وی

۱. همان.

۲. رجوع کنید به ضمیمه‌ی ۱ مقاله‌ی «دین و آزادی».

در زمینه‌های دینی، تاریخی، اجتماعی و سیاسی از دانش بسیار برخوردار بوده است؛ اما در اغلب سخنرانی‌های خود بر این نکته تأکید می‌کرد که هدف اصلی پیامبران توحیدی، رهایی انسان‌ها از هرگونه اسارت و بندگی است و پس از آن گسترش محبت، عدالت، عشق و مدارا در جامعه را از دیگر هدف‌های پیامبران می‌دانست. او دور شدن یک جامعه از آموزه‌های اصیل پیامبران توحیدی را در واقع دور شدن افراد آن جامعه از سیر تکامل و رشد انسان می‌دانست و پس از آن بر این نکته پای می‌فشرد که باید نوجوانان و جوانان را با اندیشه‌های دینی آشنا ساخت. آنچه را که در صفحات بعد می‌خوانید، نگاهی گذرا به برخی از اندیشه‌های آن مصلح بزرگ، مهندس مهدی بازرگان است.

فراموش نمی‌کنم که در هشتمین سالگرد وفات این اسطوره‌ی صبر، شکیبایی و مقاومت، یکی از سخنرانان گفت که مقام و شخصیت بازرگان هنوز برای ملت ناشناخته مانده است. من به درستی آن سخن تا زمانی که مرور دوباره‌ی آثار او را آغاز کرده و ماه‌ها ادامه دادم، پی نبرده بودم. اما امروز به همه‌ی نوجوانان و جوانان میهنم توصیه می‌کنم که به مطالعه‌ی همه‌ی آثار، مصاحبه‌ها و نوشته‌های مردی روی آورند که ایمان، علم، اخلاق، فرزاندگی و شجاعت را با هم یک‌جا داشت. او افتخار ایران و ایرانی بود. او صدای آگاهی و آزادی بود.^۱ وقتی به حقیقتی دست می‌یافت در بیان آن کوچک‌ترین تردیدی به خود راه نمی‌داد. هر نقد مستدل و منطقی را می‌پذیرفت اما از ملامت هوچی‌گران و تهاجم عوام نادان نمی‌هراسید. قلبی خالی از کینه داشت. به همه‌ی انسان‌ها عشق می‌ورزید و مخالفان خویش را خیلی زود می‌بخشید. او به راستی الگوی مدارا و محبت بود.

محمود حکیمی
تابستان ۱۳۸۳

۱. رجوع کنید به ضمیمه‌ی ۱ مقاله‌ی «دین و آزادی».